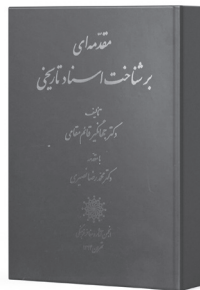


مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی و اهمیت آن^۱

محمدکاظم رحمتی^۲



۱. نوشتار حاضر به معرفی کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی اثر دکتر جهانگیر قائم مقامی می‌پردازد که برای نخستین بار در سال ۱۳۵۰ از سوی انجمن آثار ملی منتشر شده است. مقاله حاضر به مناسبت برگزاری دوازدهمین نشست از سلسله نشست‌های صد کتاب ماندگار قرن تهیه شده است. در این نشست که در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ با دبیری دکتر مصطفی نوری برگزار شد، حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی خسروی و عمادالدین شیخ الحکامایی به بررسی کتاب مقدمه‌یی بر شناخت اسناد تاریخی. اثر برجسته جهانگیر قائم مقامی پرداختند.

۲. عضو هیئت علمی بنیاد دانشنامه جهان اسلام.

10.30484/JII.2026.3325 | kazemr112@gmail.com

• استناد: رحمتی، محمدکاظم. (۱۴۰۴). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی و اهمیت آن. مجله مطالعات ایرانی-اسلامی. (۲) ۱۵-۱۰ ص.

این کتاب، اثری است آموزشی که دانشجویان رشته تاریخ، به نحو خاص، و دیگر رشته‌ها، به نحو عام، می‌توانند از آن بهره ببرند و با این دسته منابع تحقیقی آشنا شوند و با وجود گذشت سالیان فراوان از نگارش آن، هنوز این کتاب می‌تواند از این جهت، ایفای نقش کند.

پژوهشگران برای نگارش تاریخ، ابزارهای مختلفی در اختیار دارند؛ متن‌های تاریخی مربوط به دوره تحقیق، البته نخستین منابعی است که محقق برای یافتن مطالب خود به آنها رجوع می‌کند؛ باین‌حال مشخص است که تنها با تکیه بر منابع تاریخی نمی‌توان کار تحقیق را جلو برد و پاسخ دادن به بسیاری از پرسش‌ها، نیازمند یافتن منابع و شواهدی دیگر است. اینجاست که پای دسته‌ای از منابع برای تحقیق گشوده می‌شود: اسناد و مدارک مختلف باقی‌مانده از گذشته؛ بناهای تاریخی که مؤسسان و بانیان آن برای جاودانه کردن نام خود هنگام بنای آن، موقوفاتی بر آنها قرار داده و دستور ساخت کتیبه‌هایی برای نصب در بخشی از این بناها می‌داده‌اند؛ احکام قضایی؛ نامه‌ها و ترسلات حکومتی و غیرحکومتی؛ سکه‌ها؛ نسخه‌های خطی با یادداشت‌های فراوان تملک در آغاز و پایان و گاه یادداشت‌های تاریخی مختلف که بسته به ذوق و سلیقه مالکان بر ظاهر نسخه نوشته می‌شد، نمونه‌ای از منابعی هستند که می‌تواند به کار پژوهشگر تاریخ آمده و به او در نگارش تحقیق کمک کند. باین‌حال، مشکلاتی وجود دارد.

نخست اینکه اسناد و مدارک بایگانی سلسله‌های مختلف عموماً از میان رفته است؛ از حکومتی چون صفویه، با دوره حکمرانی نسبتاً بلند حدود یکصد و پنجاه سال و نزدیکی آن با ما، آرشیو حکومتی قابل تأملی باقی نمانده است. باین‌حال، مراکز مختلفی در کشور پدید آمده است که هرکدام به شکلی، اسناد و مدارک مربوط به گذشته را گردآوری کرده‌اند و در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند.

با توجه به چنین مسائلی، مرحوم جهانگیر قائم مقامی که خود دستی در کار تحقیق و

انتشار اسناد و مدارک تاریخی داشت، کتابی با عنوان مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی منتشر کرد که در این مقاله کوتاه به معرفی آن می‌پردازیم.

کتاب در شش فصل سامان یافته است: مقدمات؛ توضیح دربارهٔ آرشیو؛ انواع اسناد تاریخی؛ ترکیبات اسناد؛ آداب نگارش و تنظیم و صدور اسناد؛ بررسی و تحقیق دربارهٔ اسناد. دو ضمیمهٔ مهم نیز دارد که در آن، نخست، مُهرهای پادشاهان ایران از دورهٔ ایلخانی به بعد گردآوری شده، و سپس برخی مُهرهای حکام افغان آمده است.

کتاب، از چند جهت اهمیت دارد. نخست اینکه اثری است آموزشی که دانشجویان رشتهٔ تاریخ، به نحو خاص، و دیگر رشته‌ها، به نحو عام، می‌توانند از آن بهره ببرند و با این دسته منابع تحقیقی آشنا شوند و با وجود گذشت سالیان فراوان از نگارش آن، هنوز این کتاب می‌تواند از این جهت، ایفای نقش کند. همچنین، در مقام تحقیقی در اسناد تاریخی گذشته و ارائهٔ مطالب ناب و مهم، تألیفی مستقل و قابل تأمل است. ارائهٔ تصاویر مختلف از اسناد و مطالب مورد بحث، نقطهٔ قوت کتاب است و در سراسر کتاب، خواننده تصاویری بسیار ارزشمند از مدارک مختلف را می‌تواند ببیند و با آنها آشنا شود؛ اسناد و مدارکی که حتی امروز نیز چندان قابل دسترسی نیست و معلوم است که نویسنده زحمت بسیاری برای گردآوری آنها بر دوش کشیده است.

امروز اسناد و مدارک آرشیوی شماری از کشورهایی که به‌نوعی با ایران در ارتباط بوده‌اند، به شکل راحت‌تری در دسترس هستند؛ مانند پرتغال که بیش از یکصد سال در خلیج فارس حضور و بر ملوک هرموز تسلط داشت؛ و یکی از آرشیوهایی بود که مرحوم قائم‌مقامی، کوشش فراوانی برای معرفی و استخراج اسناد ایرانی آنجا کرده بود.

ایشان مقالات بسیار مهمی در معرفی ملوک هرموز، بر اساس نامه‌ها و اسناد باقی‌مانده از آنها در آرشیو ملی پرتغال نوشته بود که حاصل آن، انتشار مقالات بسیار مهمی در مجلهٔ

ارائهٔ تصاویر مختلف از اسناد و مطالب مورد بحث، نقطهٔ قوت کتاب است و در سراسر کتاب، خواننده تصاویری بسیار ارزشمند از مدارک مختلف را می‌تواند ببیند و با آنها آشنا شود؛ اسناد و مدارکی که حتی امروز نیز چندان قابل دسترسی نیست و معلوم است که نویسنده زحمت بسیاری برای گردآوری آنها بر دوش کشیده است.

وزین بررسی‌های تاریخی است. به‌واقع، اگر اسناد و مدارک منتشرشدهٔ باقی‌مانده در آرشیو پرتغال را کنار بگذاریم، تقریباً مطلب قابل‌ملاحظه‌ای درخصوص تاریخ ملوک هرموز در اختیار نداریم.

در کنار انتشار مقالات اخیر، مرحوم قائم‌مقامی دو جلد کتاب با عنوان اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال دربارهٔ هرموز و خلیج فارس^۱ منتشر کرده است که شایسته است بار دیگر تجدید چاپ شوند. کمااینکه اسناد پرتغالی مربوط به دوران حضور پرتغالی‌ها در خلیج فارس، نیازمند بررسی جداگانه‌ای است؛ موضوعی که متأسفانه مورد توجه دانشجویان صفوی‌پژوه ایرانی قرار نگرفته است و البته مانع اصلی، ناآشنایی با زبان پرتغالی و دسترسی نداشتن به اسناد و مدارک موجود در آرشیو ملی پرتغال است.

در فصل دوم با نام «بحث دربارهٔ آرشیوها» شماری از کشورهای مهمی را که دارای آرشیوهای غنی و قابل‌بررسی هستند، معرفی کرده است. البته، در این میان، کشور ترکیه و آرشیوهای بسیار غنی آن خیلی کوتاه معرفی شده است.

خوشبختانه، در سالیان اخیر، محققان ترک، درخصوص معرفی اسناد موجود در آرشیوهای خود، تلاش‌های مختلف و خوبی انجام داده‌اند و آرشیوهایی با اسناد متنوع چون احکام محاکم قضایی و اسناد ناظر به جمعیت‌شناسی و درآمد‌های هر منطقه شکل گرفته است که گاه، تنها دانسته‌های ما درخصوص برخی مناطق در ادوار خاص تاریخی، همین مدارک است.

عثمانی‌ها، پس از اشغال و تصرف هر منطقه‌ای، نخستین کاری که در آنجا انجام می‌دادند، سرشماری دقیق افراد و شغل‌های آنها برای اخذ مالیات بود. نمونه‌های مختلفی از این دسته اسناد باقی‌مانده است و برای محققان تاریخی در حکم گنجینه‌های بسیار ارزشمندی هستند که برای مطالعهٔ تاریخ اجتماعی و اقتصادی اهمیت بسیار زیادی دارند. به‌عنوان مثال، می‌توان به سیاهه‌ای از برخی اسناد موجود در آرشیو عثمانی، مربوط به دوران سیطرهٔ آنها بر قطیف، در قرن دهم و اوایل قرن یازدهم که به‌وسیلهٔ زکریا کورشون و مرحوم محمد موسی القرینی، با عنوان سواحل نجد «الاحساء» فی الارشیف العثماني «جبل شمر - القصیم - الریاض - القطیف - الکویت - البحرین - قطر - مسقط»^۲ منتشر شده، اشاره کنیم که البته، اجمال بیش از حد در این کار، آن را تنها در حد سیاهه‌ای کرده است و لازم است به اصل اسناد مراجعه و بررسی و تحلیل بیشتری از آنها ارائه شود.

بخش مهمی از اسناد مربوط به سرزمین‌های عربی موجود در آرشیوهای عثمانی، اکنون در هفت جلد، به کوشش فاضل بیات، در کتابی با عنوان البلاد العربیة فی وثائق العثمانیة

۱. قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۴). اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال دربارهٔ هرموز و خلیج فارس. تهران: ارتش. ادارهٔ روابط عمومی.
۲. کورشون، زکریا (۱۴۲۶ق/ ۲۰۰۵). سواحل نجد «الاحساء» فی الارشیف العثماني «جبل شمر - القصیم - الریاض - القطیف - الکویت - البحرین - قطر - مسقط». بیروت: دارالعربیة للموسوعات.

به وسیله مؤسسه ایرسیکا منتشر شده است. اسناد و مدارک آمده در کتاب اخیر، مشتمل بر نکات فراوانی درخصوص شیعیان، خاصه در بحرین قدیم، شام و حرمین شریفین و نحوه تعامل عثمانی‌ها با آنهاست و نشان می‌دهد که چگونه عثمانی، با حساسیت فراوان، رفت‌وآمد شیعیان از قلمرو صفویه به قلمرو خود را زیر نظر داشته است. فهرست کردن منابع و مطالعات منتشرشده بر اساس اسناد عثمانی که از قضا، به دلیل همسایگی با ایران، ارزش بسیاری برای فهم تاریخ کشور ما دست‌کم در چهارصد سال اخیر دارد؛ مسئله‌ای کم‌اهمیت نیست؛ اما شگفت‌آور است که تقریباً اهتمام خاصی به آن نمی‌شود و باب مراودات با مراکز علمی آنها، تقریباً بر پژوهشگران بسته است، مگر کوشش‌های فردی حاصل از عشق و علاقه. بگذاریم و بگذریم.

بخش سوم که «انواع اسناد تاریخی» نام دارد، شماری از تعابیر فنی درخصوص اسناد گذشته را مورد بحث و بررسی قرار داده است و نویسنده با دقت کوشیده است تا رد پای نام‌ها و اصطلاحات گاه فراموش‌شده را در میان کتاب‌های ادوار مختلف پی‌جویی و مفهوم و دلالت‌های آنها را بیان کند. به عنوان مثال، توضیح ایشان درخصوص تعبیر «صریح الملک»، یعنی اسناد مربوط به تملک زمین در ادوار گذشته، بسیار جالب‌توجه است و البته، اکنون شماری از دفاتر خاص مربوط به تملک‌های زمین خاصه درباره بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به دست آمده است که شایسته بررسی بیشتری هستند؛ به‌ویژه نسخه بسیار مهمی از صریح الملک موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

فصل چهارم، یعنی «ترکیبات اسناد»، بخش‌های مختلف یک سند را بررسی کرده است و در تکمیل این بخش، فصل پنجم، یعنی «آداب نگارش و تنظیم و صدور اسناد»، بازخوانی چند سند تاریخی را در بر دارد.

اسناد و احکام مختلفی از دوره صفویه، با وجود از بین رفتن دفاتر و اسناد حکومتی در میان جنگ‌ها، و منشآت نوشته‌شده در قرون دهم به بعد در دست است که گاه بررسی و انتشار آنها، حتی می‌تواند پرتویی بر برخی مسائل تاریخی بیفکند و خوشبختانه، اکنون، شمار زیادی از این دسته اسناد، به‌ویژه آنچه که به موقوفات مربوط می‌شود، منتشر شده است.

مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه (د. ۱۳۷۵ ش)، در عمر پُربرکت خود، با دل‌بستگی فراوان، شماری از اسناد مربوط به موقوفات عصر صفویه، مانند وقف‌نامه‌ای درباره حرم عبدالعظیم حسنی، توسط زینب بیگم، دختر شاه‌طهماسب، در ۹۹۷؛ فرمان شاه‌طهماسب درباره زاویه شیخ ابراهیم خواص در ۹۴۳ و آستانه‌های مازندران و فرامین مربوط به نقابت و تولیت حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها را منتشر کرده است که

۱. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۹۱). بیست و پنج چستار از محمدتقی دانش‌پژوه، به کوشش قدرت‌الله پیشنمازاده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

با وجود گذشت بیش از پنجاه سال از انتشار کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، همچنان کتابی ارزشمند و قابل مراجعه است و حتی گزافه نخواهد بود که گفته شود هنوز اثری که بتواند از لحاظ محتوا و متن با چنین کتابی برابری کند، به زبان فارسی نگاشته نشده است.

اکنون، به همت آقای قدرت‌الله پیشنمازاده، در یک مجلد، همراه با مقالات خواندنی دیگر از مرحوم دانش‌پژوه، با عنوان بیست‌وپنج جستار از محمدتقی دانش‌پژوه^۱ چاپ شده است.

استاد ارجمند، محمدعلی خسروی، تعدادی از وقف‌نامه‌های مهم عصر صفوی را در کتابی با عنوان هفت وقف‌نامه: نمونه‌هایی از یکصد و هفتاد سال وقف‌نامه‌نویسی در دوره صفویه^۲ منتشر کرده است.

در باب موقوفات اصفهان، اسناد و شماری از وقف‌نامه‌های باقی‌مانده، از سوی سید جعفر اشکوری، با عنوان موقوفات اصفهان^۳ منتشر شده است. فهرست اسناد مربوط به موقوفات عصر صفوی بسیار مفصل و از حوصله نوشتار حاضر بیرون است؛ تنها باید اشاره کرد که این دسته از اسناد، در مطالعه تاریخ اجتماعی-اقتصادی عصر صفویه اهمیت بسیاری دارند.

فصل آخر کتاب «بررسی و تحقیق درباره اسناد»، موارد دیگری از اسناد تاریخی را مورد بحث قرار داده است و متن‌نامه‌ای از میرزا آقاخان نوری را معرفی و محتوای آن را مورد بررسی قرار داده است که در حقیقت، تلاش نویسنده برای فهماندن این مطلب به محقق است که هر آنچه در این دسته از منابع آمده است، تا چه اندازه صحیح یا غیرصحیح است و لازم است تا با این دسته منابع نیز، نگاه انتقادی داشته باشیم. همچنین نشان می‌دهد که چگونه باید عبارت‌های آمده در این اسناد را در سیاق تاریخی آنها فهمید.

در یک کلام، با وجود گذشت بیش از پنجاه سال از انتشار کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، همچنان کتابی ارزشمند و قابل مراجعه است و حتی گزافه نخواهد بود که گفته شود هنوز اثری که بتواند از لحاظ محتوا و متن با چنین کتابی برابری کند، به زبان فارسی نگاشته نشده است.

۱. خسروی، محمدعلی (۱۳۸۴)، هفت وقف‌نامه: گزیده‌ای از یکصد و هفتاد سال وقف‌نامه‌نویسی در دوره صفویه، تهران: صائین.
۲. حسینی اشکوری، سید صادق (۱۳۹۵)، فهرست اسناد موقوفات اصفهان، قم: مجمع ذخائر اسلامی.